

هزیمت ملوکانه



یک بار در ۳۰ مرداد ۱۳۳۲ و بار دیگر در ۵ آبان ۱۳۵۷ از رادیو نطق کرد. بار اول پیروزمندانه و فاتحانه و بار دوم مغلوب و شکسته خورده. ویلیام شوکراس نویسنده و مفسر مشهور بریتانیایی در کتاب آخرین سفر شاه نوشت:

یک بار در ۳۰ مرداد ۱۳۳۲ و بار دیگر در ۵ آبان ۱۳۵۷ از رادیو نطق کرد. بار اول پیروزمندانه و فاتحانه و بار دوم مغلوب و شکسته خورده. ویلیام شوکراس نویسنده و مفسر مشهور بریتانیایی در کتاب آخرین سفر شاه نوشت: کارتر در دفتر خاطراتش در ۲۰ ژانویه جمله ای افزود که برای شخصی که اخیرا شاه را ستایش کرده بود، عجیب است. «عقیده دارم که اگر بوی گند شاه در کشور ما به مشام برسد، نه برای ما خوب است و نه برای خود او.»

به گزارش ایسنا، امروز ۲۶ دی ماه سالروز سقوط سلطنتی است که شاهنش در پی ادبار مردمش، فرار را بر قرار ترجیح داد، همانطور که تاریخ مصرف حکومت پدر قزاقش در سال ۱۳۲۰ به پایان رسید.

آگاهی و همراهی یا ناآگاهی و بی تفاوتی سرمایه اجتماعی تاثیر شگرفی در پیروزی و شکست سه کودتا در ایران عصر پهلوی اول و دوم داشت. کودتای انگلیسی میرپنج رضاخان در سال ۱۲۹۹ شمسی برای سرنگونی سلسله قاجاریه و کودتای انگلیسی - آمریکایی محمدرضا شاه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای سرنگونی دولت قانونی دکتر مصدق موفقیت آمیز بودند اما کودتای دوم پهلوی پسر برای سر به نیست کردن نهضت انقلابی مردم به رهبری خمینی کبیر در سال ۱۳۵۷ با شکست روبرو شد.

بنیانگذار فرزانه انقلاب اسلامی فردای گریختن شاه از ایران، در پیامی گفتند: «فرار محمدرضا پهلوی را که طلیعه پیروزی ملت و سرلوحه سعادت و دست یافتن به آزادی و استقلال است به شما ملت فداکار تبریک عرض می کنم. شما ملت شجاع و ثابت قدم به ملت های مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت می توان بر مشکلات هر ملت و هر چه باشد غلبه کرد، و به مقصد - هر چه دشوار باشد - رسید. گر چه این ستمگر با دست و آغشته به خون جوانان ما و جیب انباشته از ذخایر ملت از دست ما گریخت ولی به گریخت و فرار محمدرضا پهلوی را که طلیعه پیروزی محاکمه کشیده خواهد شد و انتقام مستضعفین از او و سرنگونی سلسله قاجاریه و کودتای انگلیسی - آمریکایی محمدرضا شاه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای سرنگونی دولت قانونی دکتر مصدق موفقیت آمیز بودند اما کودتای دوم پهلوی پسر برای سر به نیست کردن نهضت انقلابی مردم به رهبری خمینی کبیر در سال ۱۳۵۷ با شکست روبرو شد.

بنیانگذار فرزانه انقلاب اسلامی فردای گریختن شاه از ایران، در پیامی گفتند: «فرار محمدرضا پهلوی را که طلیعه پیروزی ملت و سرلوحه سعادت و دست یافتن به آزادی و استقلال است به شما ملت فداکار تبریک عرض می کنم. شما ملت شجاع و ثابت قدم به ملت های مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت می توان بر مشکلات هر ملت و هر چه باشد غلبه کرد، و به مقصد - هر چه دشوار باشد - رسید. گر چه این ستمگر با دست و آغشته به خون جوانان ما و جیب انباشته از ذخایر ملت از دست ما گریخت ولی به گریخت و فرار محمدرضا پهلوی را که طلیعه پیروزی محاکمه کشیده خواهد شد و انتقام مستضعفین از او و سرنگونی سلسله قاجاریه و کودتای انگلیسی - آمریکایی محمدرضا شاه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای سرنگونی دولت قانونی دکتر مصدق موفقیت آمیز بودند اما کودتای دوم پهلوی پسر برای سر به نیست کردن نهضت انقلابی مردم به رهبری خمینی کبیر در سال ۱۳۵۷ با شکست روبرو شد.

بر اساس اسناد از طبقه بندی خارج شده وزارت خارجه ایالات متحده، شاه ایران هنگام ترک ایران در دی ۱۳۵۷ نزدیک به ۵۰ میلیون دلار در بانک تهران، ۱۸ میلیون دلار در بانک های نیویورک و حداقل ۱۰۰ میلیون دلار در بانک های لندن ذخیره ارزی داشت. یکی از وزرای دربار پهلوی، بعدها در خاطراتش نوشت: در آغاز عملیات خروج خاندان سلطنتی از کشور دستور برچسب و مهر و موم کردن چمدان ها، بسته ها و صندوق های شاه که منقش به آرم دربار و سلطنتی بود، صادر شد. تاج شاهنشاهی با سه هزار و ۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زمرد، ۳۶۸ مروارید و با وزن دو کیلو و ۸۰ گرم و از نظر قیمت غیرقابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس در چمدان ها بسته بندی شد.

وی ادامه داد: فرح پهلوی دستور داد ۲۸۴ عدد چمدان و صندوق بسته شود. یک تیم از افراد مورد تأیید و جمع آوری و بسته بندی همه گونه عتیقه، جواهرات و الماس های گرانبها، ساعت های تمام طلا و تاج و نیم تاج های تمام زمرد را بر عهده داشتند. این گنجینه از جواهرات و عتیقه جات در مکان های امن کاخ نیاوران نگهداری می شد.

روایت خبرگزاری آمریکایی از پایان محمدرضا شاه

خبرنگار خبرگزاری آسوشیتدپرس که از نزدیک شاهد رویداد خروج محمدرضا شاه از ایران بود در گزارشی مشروح به شرح ماجرا پرداخت که این گزارش تاریخی یک بار در دی ماه ۱۳۵۷ و بار دیگر با رفع اشکالات تاپی در نسخه اولیه، بازنشر داده شد.

آنچه در ادامه می خوانید گزارشی است که این خبرگزاری ۴۲ سال قبل در چنین روزی درباره خروج شاه از ایران منتشر کرد. «محمدرضا پهلوی - پادشاه ایران - با چشمانی اشکبار راهی سفری شد که شاید دیگر هیچگاه از آن بازنگردد. او تحت فشارهای سیاسی و مذهبی، بدون اطلاع قبلی روز سه شنبه ۲۶ دی ۱۳۵۷ تهران را به مقصد مصر ترک کرد. شاه ایران پیش از پرواز هواپیما گفت که برای معالجه به خارج می رود اما گمانه زنی های زیادی وجود دارد که او دیگر به ایران باز نخواهد گشت.

سفر پادشاه ایران انفجاری از شادی در میان میلیون ها ایرانی رقم زد. اگر دشمنان پیروز او به همین شکل به راه خود ادامه دهند، این سفر به معنای پایان نظام پادشاهی در سرزمینی است که برای ۲۵۰۰ سال تحت سیطره پادشاهان بوده است. در پی سفر شاه، میلیون ها ایرانی به خیابان ها آمدند و به آوازخوانی و پایکوبی می پردازند و پیروزی در جنگ خونین یکساله علیه مردی که از سال ۱۳۲۰ بر کشورشان حکومت می کرد را به یکدیگر تبریک می گویند. آنها فریاد می زدند «شاه برای همیشه رفت» رانندگان خودروها هم به طور مرتب بوق می زنند و چراغ های جلوی خود را روشن و خاموش می کنند. عابران پیاده نیز تصاویری از آیت الله

خمینی یعنی همان رهبر مسلمانی که با نهضت سیاسی و مذهبی خود باعث خروج شاه از کشور شد را در دست تکان می دهند.

پادشاه ۵۹ ساله ایران خودش هدایت هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ را بر عهده داشت و با عبور از آسمان تهران به سمت شهر آسوان در جنوب مصر پرواز کرد. طبق تصاویر دریافتی، او پس از فرود در مصر، مورد استقبال گروه کوچکی قرار گرفت که قرار است او را به دیدن انور سادات رئیس جمهور مصر ببرد. گفته می شود شاه ایران پس از مصر به آمریکا خواهد رفت.

فعلا خبرگزاری های منطقه خبری در این باره مخابره نکرده اند. فقط خبرگزاری روسی تاس در گزارشی در این باره گفته است شاه ایران مانند یک فراری از کشور خارج شد؛ بدون بدرقه باشکوه و بدون اسکورت افتخاری.

محمدرضا پهلوی که خودش را شاه شاهان، قله عالم و سایه خداوند می نامید، اوضاع سیاسی بی ثباتی را برای کشورش و رویاهای متلاشی شده ای را برای سلسله خود به جا گذاشت.

خبر خروج شاه از کشور در سراسر پایتخت پیچید. با فراگیر شدن خبر سفر او به مصر، مجسمه های او به سرعت در نقاط مختلف تهران به زمین انداخته شد و برخی ایرانی ها حتی تصاویرش را از داخل اسکناس های خود پاره کردند. یک دانشجوی ایرانی در مصاحبه با خبرنگار ما ابراز امیدواری کرد که دولت بعدی ایران بتواند شاه را برای محاکمه به کشور بازگرداند. یک دختر کوچک هم گفت ما زمانی خوشحال می شویم که خبر مرگ شاه را بشنویم.

آیت الله خمینی ۷۸ ساله که از ۱۴ مهر در خانه کوچکی در حومه پاریس زندگی می کند عصر سه شنبه پس از اعلام خبر خروج شاه از ایران در جمع طرفداران خود که به دور او حلقه زده بودند، حاضر شد. گفته می شود او پیامی را خطاب به مردم ایران آماده کرده است.»

ویلیام شوکراس نویسنده و مفسر بریتانیایی در کتاب آخرین سفر شاه نوشت: کارتر در دفتر خاطراتش در ۲۰ ژانویه ۱۹۷۸ (۳۰ دی ۱۳۵۶) جمله ای افزود که برای شخصی که اخیرا شاه را ستایش کرده بود، عجیب است. «عقیده دارم که اگر بوی گند شاه در کشور ما به مشام برسد، نه برای ما خوب است و نه برای خود او.»

از فرار تا مرگ شاه

علت انتخاب مصر به عنوان مقصد اول و آخر شاه در دوران آوارگی به تاریخچه روابط خانوادگی پهلوی ها با خاندان سلطنتی مصر باز می گشت. محمدرضا پهلوی همسری مصری (فوزیه دختر ملک فواد) داشت که در انتخاب این مقصد بی تأثیر نبود.

شاه و همراهانش در هتل اُبروی که در جزیره ای میان رود نیل بنا شده، اقامت کردند. آنها پنج روز در آسوان بسر بردند و ملاقات کنندگان زیادی نداشتند. در این مدت یکی از اشخاصی که تلفنی تماس گرفت کنستانتین، پادشاه سابق یونان بود همچنین ژرژ فلاندرن پزشک فرانسوی که از پنج سال پیش سرطان شاه را معالجه می کرد با او دیدار کرد اما حتی خود شاه وسعت بیماری اش را نفهمیده بود.

چند ساعت قبل از عزیمت شاه و همراهانش به آمریکا، سفیر مراکش در مصر به دیدار او رفت و دعوت ملک حسن دوم پادشاه مراکش را به محمدرضا پهلوی ابلاغ کرد و اینگونه مقصد دوم شاه مشخص شد.

شاه به دعوت پادشاه مراکش به آن کشور رفت ولی در "رباط" تشریفات رسمی از وی به عمل نیامد. شاه پس از دیداری با ملک حسن، در کاخ "جنان الکبیر" اقامت کرد. شاه ۶۷ روز در این کاخ ماند.

در مدت زمان دو ماهه اقامت شاه در مراکش، اکثر درباریان و اطرافیان شاه که وی را در خروج از ایران به مصر و از آنجا تا مراکش همراهی کرده بودند، به تدریج رهسپار اروپا و آمریکا شدند. تنها جمعی از خدمه بودند که شاه را هنگام ترک مراکش همراهی کردند. ملک حسن که قصد داشت روابط سیاسی خود را با نظام تازه تأسیس ایران حفظ کند مایل نبود اقامت شاه طولانی شود. محمدرضا پهلوی در شرایطی که نتوانسته بود کشوری را به عنوان پناهگاه بیابد، به پیشنهاد مشترک راکفلر و کیسینجر مجبور شد به باهاما در آمریکای مرکزی برود.

وی با هواپیمای اختصاصی سلطان حسن، صبح روز ۱۰ فروردین ۱۳۵۸ فرودگاه رباط را به مقصد جزایر باهاما ترک کرد. شاه ۷۰ روز در این جزیره به سر برد. در همین مجمع الجزایر بود که شاه توسط پزشکان اعزامی از فرانسه، از سرطان غدد لنفاوی مطلع شد. طبق اسناد منتشر شده از آرشیو ملی بریتانیا، در زمان اقامت شاه در باهاما، انگلستان ماموری سری به باهاما اعزام می کند که به شاه پیام دهند که بریتانیا آمادگی پذیرش وی را ندارد.

شاه و باقی مانده همراهان روز ۲۰ خرداد ۱۳۵۸ با یک هواپیمای کرایه ای از باهاما راهی مکزیک شدند و در یک خانه ویلایی که قبلاً برای اقامت آنان در نظر گرفته شده بود، مستقر شدند. شاه در این مدت از یک تومور سرطانی بدخیم و یرقان شدید رنج می برد. پس از ۴ ماه اقامت در مکزیک وی مطلع شد که دولت کارتر با سفر او به آمریکا صرفاً با هدف معالجه بیماری موافقت کرده است. پس در ۳۰ مهر ۱۳۵۸، مکزیکوسیتی را به مقصد بیمارستان نیویورک ترک کرد.

شاه ۵۴ روز در بیمارستان نیویورک بستری شد. در این مدت دو بار تحت عمل جراحی طحال و کیسه صفرا قرار گرفت. کمتر از دو هفته پس از ورود شاه به این بیمارستان، لانه جاسوسی سفارت آمریکا در تهران به تصرف دانشجویان مسلمان پیرو خط امام درآمد و این امر کارتر را نسبت به عدم حضور شاه در آمریکا متقاعد کرد. مکزیک نیز به شاه اطلاع داد که بعد از تصرف سفارت آمریکا در تهران، دولت مکزیکوسیتی به خاطر حفظ روابط سیاسی خود با حکومت تهران مایل به میزبانی مجدد شاه نیست.

بدترین لحظه برای شاه و همسرش زمانی بود که در ۱۱ آذر ۱۳۵۸ از بیمارستان نیویورک مرخص شد ولی هنوز مقصدی برای سفر نداشت در نتیجه با یک هواپیمای نیروی هوایی آمریکا به مقصد تگزاس پرواز کردند تا ۲ هفته باقی مانده از مهلت روادید خود را در آنجا در داخل آپارتمانی کوچک بگذرانند، اما در حین راه به همراهان آمریکایی خبر رسید که آن آپارتمان هنوز آماده نیست. شاه و

همسرش را به مکانی که بعداً معلوم شد، مرکزی برای نگهداری بیماران روانی است، بردند. فرح برای نخستین بار با فریاد به همراهان آمریکایی خود اعتراض کرد و گفت: «آیا ما در اینجا زندانی هستیم؟ آیا کارتر ما را زندانی کرده است؟ ما در این جا دیوانه خواهیم شد؟ باید بیرون برویم و...»

مقامات آمریکایی با پایان مهلت اقامت شاه در آمریکا به وی اطلاع دادند که به دلیل عواقب ناشی از تصرف سفارت آمریکا در تهران، امکان تمديد روادید وی وجود ندارد و به همین دلیل در پاناما جایی مناسب برای اقامت وی و همسرش در نظر گرفته شده است. شاه که غیر از پذیرفتن، چاره دیگری نداشت به اتفاق همسرش در ۲۴ آذر ۱۳۵۸ با هواپیمای نیروی هوایی آمریکا از فرودگاه تگزاس به پاناما در آمریکای مرکزی برده شدند.

وقتی شاه و فرح در پاناماسیتی از هواپیما خارج می شدند تنها جمعی از سربازان گارد ملی پاناما، افسران امنیتی، دستیاران عُمر توریخوس دیکتاتور پاناما و سفیر آمریکا کسی در فرودگاه نبود. شاه، همسرش و پزشک مخصوص آنها با هلیکوپتر از فرودگاه به یک پایگاه در جزیره ای به نام "کونتا دورا" متعلق به پاناما انتقال داده شدند.

شاه در پاناما با دو دردسر روبه رو بود. اول شدت گرفتن بیماری شاه که وی مایل نبود پزشکان پانامایی بدون اطلاع از ماهیت و عمق بیماری اش معالجات را از صفر شروع کنند و دیگری اطلاعاتی که براساس آن مقامات وزارت خارجه دولت ایران در تماس مداوم با مقامات پانامایی بودند تا بتوانند راهی برای استرداد شاه پیدا کنند. در واقع در پاناما بحث استرداد شاه قوت گرفته بود و کارتر قصد داشت با تحویل شاه بر سر گروگان های آمریکایی چانه زنی کند.

بر اساس کتاب دخترم فرح نوشته فریده دیبا مادر فرح پهلوی، عُمر توریخوس انسان بسیار بی ادبی بود که به هیچ وجه آداب گفت و گوی دیپلماتیک را رعایت نمی کرد. توریخوس شاه را «چوپن» یعنی تفاله می نامید با همه این مشکلات، شاه و همسرش ۱۰۰ روز در پاناما ماندند و سپس به اصرار همسر رئیس جمهور مصر، روز سوم فروردین ۱۳۵۹ با یک هواپیمای پانامایی رهسپار قاهره شدند.

در ۲ تیر ۱۳۵۸ و زمان اقامت شاه در مکزیک، انورسادات از پارلمان مصر تقاضا کرده بود قطعنامه ای تصویب کند و به شاه اجازه دهد تا به عنوان پناهنده سیاسی برای همیشه در مصر بماند. این پیشنهاد سادات با ۲۸۴ رای موافق در برابر ۸ رای مخالف تصویب شد.

شاه روز ۸ فروردین ۱۳۵۹ در بیمارستان معادی قاهره تحت عمل جراحی طحال و کبد قرار گرفت. آزمایش های انجام شده بر روی بافت ها نشان می داد سرطان بدخیم تمامی سیستم خون و کبد وی را فرا گرفته است. همه پزشکان سرشناس مصری به رهبری یک متخصص قلب که پزشک شخصی سادات بود، در بیمارستان معادی حضور داشتند. حال عمومی شاه در اقامت دومش در مصر هفته به هفته و ماه به ماه وخیم تر شد تا اینکه چهار ماه پس از سفر دوم خود به مصر در ۵ مرداد ۱۳۵۹ درگذشت. شاه را در مسجد رفاعی قاهره به خاک سپردند. همان مسجدی که جنازه رضا شاه بعد از فوت در آفریقای جنوبی مدتی در این مسجد به خاک سپرده شده بود. ملک فاروق پادشاه اسبق مصر و برادر زن محمدرضا پهلوی نیز در همین مسجد دفن است. واکنش رهبر انقلاب اسلامی به پایان رژیم پهلوی

پس از خروج شاه از ایران، امام خمینی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی از نوفل لوشاتو به مردم ایران پیام دادند که «فرار محمدرضا پهلوی را که طلیعه پیروزی ملت و سرلوحه سعادت و دست یافتن به آزادی و استقلال است به شما ملت فداکار تبریک عرض می کنم. شما ملت شجاع و شجاع و ثابت قدم به ملت های مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت می توان بر مشکلات هر و مشکلات و چاره باشد غلبه کرد، و به مقصد - هر چه دشوار باشد - رسید. گر چه این ستمگر با دست و آغشته به خون جوانان ما و جیب انباشته از ذخایر ملت از دست ما گریخت ولی به خواست خداوند متعال بزودی به محاکمه کشیده خواهد شد و انتقام مستضعفین از او و گرفته خواهد شد؛ لکن قطع دست ستمکار از ادامه ظلم، به دست ستمدیدگان، فوری و است. او رفت و به هم پیمان خود، اسرائیل - دشمن سرسخت اسلام و مسلمین - پیوست و جرایم و آشفتگی هایی را به جای گذاشت که ترمیم آن جز به تأیید خداوند متعال و همت و همه طبقات ملت و فداکاری اقدار کاردان و روشنفکر میسر نخواهد شد. اکنون در این و طلوع فجر سعادت و پیروزی توجه عموم را به مطالبی جلب می کنم؛

اول - بر جوانان غیور در سراسر کشور لازم است، برای حفظ نظم، با آن دسته از قوای و انتظامی که اکنون به آغوش ملت بازگشته اند با تمام نیرو همکاری کنند و با کمال قدرت و جدیت نگذارند که بدخواهان و منحرفین آشوب و ناامنی ایجاد نمایند.

دوم - به تظاهرات و شعارهای پرشور علیه رژیم سلطنتی و دولت غاصب ادامه دهند؛ و اگر منحرفین و مخالفین اسلام بخواهند اخلاقی به وجود آورند و نظم را به هم زنند، آنان جداً جلوگیری کنند. باید ملت بدانند که هر انحرافی و هر شعاری که مخالف مسیر و ملت است به دست عمال شاه مخلوع و عمال اجانب تحقق می یابد. من از جمیع و اشخاصی که انحرافی داشته اند و یا گرایش به بعضی از مکتب های انحرافی داشته اند تقاضا دارم که به آغوش اسلام، که ضامن سعادت آنان است، برگردند که ما آنان را برادرانه می پذیریم. در این موقع حساس که کشور جنگ زده ما بیش از هر زمانی به اتحاد و اتفاق و دولت موقت برای تهیه مقدمات انتخابات مجلس مؤسسان بزودی معرفی می شود؛ و به کار

بود؟ بیان کردند: موقعیت یک انسان صحیح و یک شخصیت آزاد؛ برخلاف این زمانها که بر ما گذشت که؛
نه زنهایمان آزاد بودند و نه مردانمان. ملتی که زن و مردش آزاد نبود و در خفقان بود از؛
بار بیرون آمدند و از این به بعد زنها و مردها آزادند. ولی اگر چنانچه بخواهند؛
خلاف مصلحت مملکت بکنند، البته از آنها جلوگیری؛ خواهد شد. (صحیفه امام، جلد ۵، ص ۴۸۱ تا ۴۸۷)